

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۶

مبانی و مؤلفه‌های فقهی حمایت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی

۱۱۵

دانشنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

مبانی و مؤلفه‌های فقهی حمایت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی
مهدی حسینی و همکار

مهدی حسینی^{*۱}

محمد رضا برزویی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

۲. استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

چکیده

حق بر حریم خصوصی از مهم‌ترین حقوق انسانی محسوب می‌گردد. امروزه با توسعه فناوری‌های ارتباطات و گسترش استفاده از فضای سایبر، حریم خصوصی افراد در معرض تهدید واقع شده است. این پژوهش با روش «سندپژوهی» و «کتابخانه‌ای توصیفی-اکتشافی» انجام شده است. سؤال اصلی مقاله آن است که «برای حمایت از حریم خصوصی افراد در محیط‌های مجازی، از چه اصولی در آموزه‌های فقهی اسلام می‌توان استنباط نمود و بر اساس آن‌ها به چه مؤلفه‌های فقهی، برای حمایت از این حق، می‌توان دست یافت؟» جهت دستیابی به پاسخ، در بخش نخست مبانی حمایت از حریم خصوصی در فقه اسلامی کنکاش گردیده و در بخش دوم نیز به تحلیل مؤلفه‌های حمایت از این حق در فقه اسلامی با تأکید بر حمایت از آن در فضای مجازی پرداخته شده است. در این مقاله بعد از بررسی‌های عمیق اکتشافی در فقه امامیه، به هفت مؤلفه فقهی جهت بررسی حریم خصوصی در فضای واقعی رسیدیم که از میان آن‌ها سه مؤلفه «ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش»؛ «ممنوعیت اشاعه فحشاء» و «ممنوعیت استراق سمع و بصر» قابل تعمیم به فضای مجازی بود و در متن مقاله به دنبال تحلیل و ترویج این مؤلفه‌ها برآمده‌ایم.

واژگان کلیدی: قواعد فقهی، قاعده تسلیط، اصل اباحه، حریم خصوصی، کرامت انسانی، فضای مجازی.

حقوق و آزادی‌های متفاوت انسان هر کدام جایگاه خاصی دارد و تعدی به هر کدام سبب بروز تألمات جسمی و روحی انسان‌ها خواهد شد. سرمایه بشری، محدود به حقوق مادی نیست؛ بلکه انسان‌ها دارای حقوق معنوی (هم‌چون امنیت جان و شخصیت فرد، حق مصونیت از تجاوز نامشروع دیگران نسبت به مکالمات، مکاتبات و مراسلات وی) هستند که اهمیت بیشتری نسبت به حقوق مادی دارند. حق حریم خصوصی از این حقوق است که فقدان یا تجاوز به آن تنش‌های فراوانی را در زندگی اجتماعی و شخصی افراد پدید می‌آورد. این حق از اساسی‌ترین حقوق انسان‌ها بوده و حمایت از آن در واقع حمایت از کرامت انسانی فرد محسوب می‌شود که تعرض به آن سبب تزلزل بنیان‌های اجتماعی جامعه می‌گردد. از این رو بایستی در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی (از سوی افراد یا توسط حکومت‌ها) مورد حمایت قرار بگیرد.

هر چند در کشورهای غربی تنها از اوایل دهه ۱۹۰۰ تصریحاً «حق حریم خصوصی» مورد توجه قرار گرفته است، اما حمایت از این حق از آغاز نزول قرآن در آموزه‌های اسلام مورد توجه بوده است که در قالب احکام شرعی هم‌چون حرمت تجسس، استراق سمع و... تجلی یافته‌اند. در آیات قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان سفارش‌های بسیاری را در پرهیز از نقض مصادیق گوناگون حق مذکور یافت؛ اما کشورهای غربی چند قرن پیش‌تر نیست که این حق را مورد شناسایی قرار داده‌اند و تا پیش از آن نسبت به این مفهوم رفتار تقابل‌گرایانه داشته‌اند.

این حق در حوزه‌های گوناگونی می‌تواند مصداق و ظهور داشته باشد که یکی از آن‌ها بروز آن در فضای مجازی می‌باشد. با توجه به قابلیت‌های گوناگونی که در این فضا وجود دارد، بررسی وجوه مختلف حق مذکور برای حمایت از آن لازم جلوه می‌کند. با این حال در ضوابط حاکم بر حمایت از حریم خصوصی، حمایت از آن در فضای مجازی محدود بوده و به آن توجه لازم مبذول نگشته است.

مقاله حاضر با روش «سندپژوهی» و «کتابخانه‌ای توصیفی-اکتشافی» و با استفاده از منابع و اسناد مکتوب انجام گرفته است. این مقاله ضمن مذاقه در مبانی اسلامی در باب حمایت از حریم خصوصی، به موضع اسلام در این خصوص پرداخته تا بدین وسیله مبانی مشروعیت تقنین درحوزه حمایت از این حق در فضای مجازی تبیین گردد.

۱. بیان مسأله

در چند سال اخیر، پیشرفت فناوری به دست آوردن و نگهداری داده‌های خاص انبوه در مورد افراد را امکان‌پذیر ساخته است. امروزه در ادبیات حمایت از حریم خصوصی، بیشترین تمرکز بر کنترل اطلاعات و داده‌ها است که در میان ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها، مخصوصاً بایستی به فضای مجازی توجه نمود. این امر یک مشکل و تهدید جدی است که از یک سو این اطلاعات می‌تواند علیه اشخاص به کار گرفته شود و از سوی دیگر ممکن است مشکلات جدی برای زندگی اجتماعی پدید بیاورد. با توجه به این‌که در بسیاری از عرصه‌ها، ظرفیت‌های تکنولوژیکی از حمایت‌های قانونی حریم خصوصی سبقت گرفته‌اند، لازم است که در سطح روابط پیشرفته تکنولوژیک که مصداق بارز آن فضای مجازی است، در سطح تقنینی کلان، حمایت‌های کافی و کارآمد از حق مذکور به عمل آید. از آن‌جا که قوانین در کشور ما مبتنی بر فقه اسلامی می‌باشند بازشناسی مؤلفه‌های فقهی در این زمینه لازم خواهد بود و ما را جهت تبیین اصول و مؤلفه‌های کارآمد برای تقنین در این زمینه راهبری خواهد کرد. از سویی در متون فقهی اسلام اصول متعددی وجود دارد که برای حمایت از حق مذکور در فضای واقعی می‌توانند مورد اتکا و توجه قرار بگیرند، اما از سوی دیگر ممکن است اشکالی مطرح گردد که این اصول و مبانی برای حمایت از حق بر حریم خصوصی در فضای واقعی بوده و امکان استفاده و بسط آن‌ها برای حمایت از حق مذکور در فضای مجازی وجود ندارد. در این مقاله تلاش شده است تا با ترویج مبانی و اصول فقهی طرح‌شده، به امکان‌سنجی استفاده از آن‌ها برای حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی پرداخته و بدین وسیله به تعمیم آن‌ها برای تبیین مؤلفه‌های حاصل‌شده در جهت حمایت از آن حق در فضای مجازی اقدام ورزیم. لذا حائز اهمیت است که اصول مذکور را مشخصاً کشف نماییم. با شناسایی مؤلفه‌های مذکور قادر خواهیم بود تا دایره حریم خصوصی افراد در فضای مجازی را مشخص نموده و محدوده حمایت‌های قانونی خود را، که بر فقه اسلامی مبتنی است، براساس حدود مذکور تبیین کنیم.

سؤال اصلی مقاله حاضر که در پی پاسخ به آن خواهیم بود، این است که «در آموزه‌های فقهی اسلام، از چه اصول و مؤلفه‌های فقهی برای حمایت از حریم خصوصی افراد در محیط‌های مجازی می‌توان بهره برد؟»

۲. مفهوم شناسی مصطلحات

۲-۱. فضای سایبر (مجازی)

فضای سایبر را نمی‌توان مترادف اینترنت دانست، بلکه فضای سایبر اعم است و اینترنت یکی از زیرمجموعه‌های آن محسوب می‌شود. اما در این مقاله، منظور ما معنای «اخص» فضای سایبر (مجازی) که هم اکنون در شبکه جهانی اینترنت تجلی یافته‌است، می‌باشد و سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی تعاملی در فضای اینترنت را شامل می‌شود.

۲-۲. حریم خصوصی

«حریم خصوصی» از عبارات نوی است که در سده‌های اخیر ایجاد شده است. در کتاب و سنت اسلامی نیز نمی‌توان صراحتاً نشانی از این عبارت یافت و روش اسلام در این خصوص به صورت تحویل‌گرایانه^۱ است. اکنون نیز در حوزه جهانی تعریفی واحد و مشخص از این عبارت وجود ندارد.

ساموئل وارن و لوئیس براندیس حقوق‌دانان آمریکایی در سال ۱۸۹۰ نخستین بار در مقاله‌ای حریم خصوصی و مخصوصاً «حق بر خلوت» را مطرح کردند (نوبهار، ۱۳۸۶: ۱۸۶). پس از وی همه تعابیر موجود در تعاریف خود از حریم خصوصی به عنوان «حق» یاد کرده و آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در تعریفی منسجم از حریم خصوصی می‌توان چنین گفت: «محدوده‌ای از اطلاعات افراد جامعه است که از نگاه عرف و یا با اعلام فرد، انتظار می‌رود که از هرگونه دسترسی و تعرض دیگران مصون بماند و هرگونه دخالت اشخاص و دولت‌ها در آن محدوده از زندگی افراد ممنوع و غیرمشروع است.»

۲-۳. حریم خصوصی در فضای مجازی

محور اصلی و امروزیین حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی تعاریف مبتنی بر اطلاعات و کنترل شخص بر توزیع اطلاعات و داده‌های خود می‌باشد. افراد اجتماع هر یک اطلاعاتی دارند که با میل به مخفی نگه داشتن آن‌ها، نمی‌خواهند که سایرین نسبت به آن علم و آگاهی پیدا کنند. این دسته از اطلاعات، آن‌گاه که به حیطه خصوصی فرد مربوط باشد، حریم خصوصی وی به‌شمار می‌آید و آن‌گاه که به‌نحوی در فضای مجازی نشر پیدا می‌کند، صحبت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی به‌میان می‌آید.

۳. سابقه تحقیق

کتب و مقالات مرتبط در این حوزه بیشتر به حق بر حریم خصوصی، به طور کلی، در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران و مسأله ممنوعیت نقض آن پرداخته‌اند. آنجا هم حمایت از حق بر حریم خصوصی در فضای مجازی مطرح شده، حمایت‌های قانونی مطرح بوده و یا آن‌که در بازشناسی اصول فقهی حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی به ذکر برخی عناصر و مؤلفه‌ها به طور کلی اکتفا شده است. از مهم‌ترین این منابع که در تدوین مقاله پیش رو نیز از آن‌ها بهره جستیم می‌توان به کتاب «حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران» و مقالات «حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، «صیانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی» و «حریم خصوصی ارتباطات اینترنتی» اشاره کرد. پژوهش پیش رو در جهت گامی متفاوت بر آن است که ابتدا مبانی و اصول فقهی حمایت از حق بر حریم خصوصی را بازشناخته و سپس به ریزمؤلفه‌های فقهی قابل تعمیم به حمایت از این حق در فضای مجازی بپردازد.

۴. حمایت از حریم خصوصی در فقه اسلامی

۴-۱. پیشینه حریم خصوصی در اسلام

از پژوهش در منابع شرع اسلام برمی‌آید که حمایت از حریم خصوصی اعتقادات، محل زندگی، اموال، مراسلات و ارتباطات افراد از همان ابتدای ظهور اسلام وجود داشته و ۱۴ قرن است که در قالب‌های متفاوت از سوی اسلام تشریح گشته است. در حالی که حمایت جدی از این حق در جهان غرب، حتی در زبان تحویل‌گرایان سنت جهان غرب، نهایتاً ۴ قرن است که مطرح شده و پیش از آن سخنی از این حق در میان آنان مطرح نبوده است.

در آیات قرآن و سنت ائمه علیهم السلام هیچ‌گاه اصطلاح «حریم خصوصی» مشخصاً به کار نرفته است؛ همان‌طور که در سایر آیین‌ها مثل یهود و مسیحیت نیز از این عبارت به تصریح یاد نشده است. ماهیت و محتوای حریم خصوصی در شریعت اسلام، تحت تعبیری از حقوق و آزادی‌های دیگر مثل حق مالکیت، حق در پناه اصل برائت بودن، حق مصونیت از تجسس و تفتیش، حق مصونیت حقوق وابسته به شخصیت افراد، ممنوعیت آشکارسازی اسرار، حق انتخاب دین و اعتقاد، حرمت غیبت، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت اشاعه فحشا و... مورد حمایت قرار گرفته است.

برای نمونه، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور رعایت حرمت مسکن افراد را واجب شمرده و برای ورود به منازل افراد، اذن آن‌ها را برای دیگران لازم شمرده است. این آیات خانه و «بیت» را به‌عنوان مصادیق بارز از حریم خصوصی افراد مدنظر داشته‌است (ساریخانی و موسوی، ۱۳۹۰: ۸).

از لحاظ اخلاقی نیز تعدی به حریم خصوصی انسان‌ها گناه بوده و دارای مجازات اخروی در نظام اخلاقی اسلام می‌باشد. امام خمینی (ره) در بند ششم فرمان هشت‌ماده‌ای فرموده‌اند که «مانند اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است» (مهریزی، ۱۳۷۸: ۴۵-۷۰).

در نگاه فقهی که احکام اسلام مشمول پنج نوع حکم حرمت، وجوب، ندب، کراهت و اباحه قرار می‌گیرد، تعدی به حریم خصوصی افراد «حرام» بوده و در اصطلاح فقه جزایی و از منظر حقوقی، جرم محسوب می‌گردد. امام خمینی (ره) در فرمان مذکور می‌فرمایند: «مرتکبان هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی و بعضی از آنان مستوجب حد شرعی هستند».

نکته مهم آن است که آیات و روایات اسلامی مربوط به حریم خصوصی حمایت خود را بیشتر از موضع تکلیف‌گرایانه تشریح کرده‌اند؛ نه از موضع وضعی و حق‌محور. به همین علت شایسته است که مسئولیت ناقضین حریم خصوصی را در احکام تکلیفی جست‌وجو نماییم؛ درحالی‌که در زمره احکام وضعی به‌شمار می‌آید (انصاری، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۱۴) و البته که این مسأله محل ایراد نیست که آیات و روایات اسلامی وجهه اخلاق‌گرایانه و مذهبی دارند و نه جنبه حقوقی؛ تا برای تحمیل مسئولیت نقض‌کنندگان حق مذکور بتوان به آن استناد نمود.

در نوشتار حاضر ابتدا به مبانی حمایت از حریم خصوصی در فقه اسلامی پرداخته و سپس رایج‌ترین اصطلاحات و مؤلفه‌هایی را که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به‌کار رفته‌اند بررسی خواهیم کرد.

۴-۲. مبانی حمایت از حریم خصوصی در اسلام

با توجه به آیات و روایات، چنین به‌نظر می‌رسد که مبتنی بر نظام اخلاقی و فقه اسلامی، حریم خصوصی در اسلام بر پنج اصل اساسی استوار است:

الف. قاعده تسلیط

ب. قاعده صحت و اصل اباحه

ج. اصل احترام به حریم و حرمت مؤمن

د. اصل توجه به کرامت انسانی
هـ لزوم عمومیت اذن در روابط اجتماعی
در این حوزه تأکیدات فراوان قرآن نسبت به این که هر کس محدوده خویش را بشناسد
و بدون اذن به حریم دیگران وارد نشود بسیار حائز اهمیت است.

۴-۲-۱. قاعده تسلیط

«قاعده تسلط» یا «قاعده تسلیط» از قواعد مسلم فقهی محسوب می‌گردد. فقها به آن قاعده سلطنت نیز می‌گویند. اصطلاح تسلیط را گماشتن و چیره‌دست کردن معنا کرده‌اند. در اصطلاح فقهی آن را «تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش» گفته‌اند. این قاعده بدان معنا است که هر کس بر مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر نوع تصرف حقوقی و مادی انجام بدهد و کسی مجوز منع او را از تصرف در مالش بدون مجوز شرعی ندارد. اثبات این سیره توسط آیات، روایات و سیره عقلا بوده است (انصاری، ۱۳۷۴: ۳۲۰).

این قاعده دارای دو جنبه اثباتی و سلبی می‌باشد که وجهه سلبی آن حمایت از حق بر حریم خصوصی را مدنظر دارد. از این منظر، این قاعده به این معنا است که تصرفات سایرین نسبت به اموال مالک بدون اذن او یا مزاحمت آنان نسبت به تصرفات او غیرمشروع می‌باشد و اگر تسلط مالکانه فردی سبب مزاحمت شود، مزاحم مسئولیت جبران آن را خواهد داشت.

این که مالک حق داشته باشد بتواند هرگونه می‌خواهد در اموال خویش تصرف بکند حق تصرف نام دارد و به واسطه این حق می‌تواند از تعدی دیگران نسبت به حوزه اموال خویش ممانعت به عمل آورد. حق استفاده را حق بهره‌برداری مالکانه از اموال گفته‌اند که به موجب آن سایرین حق ملزم ساختن وی را برای نوعی خاص از بهره‌برداری از مال خویش ندارند. حق هر نوع اقدام نسبت به اموال فرد نیز، حق انجام هرگونه عقدی نسبت به مال برای انتقال آن، مثل: فروش، اجاره، صلح، وصیت و غیره می‌باشد (ژوزف، ۲۰۱۰م: ۱). هرچه درباره اموال صدق کند، با مورد حریم نیز منطبق است. از قاعده «الحریم له حکم ما هو حریم له»، که در کتب قواعد فقهیه وجود دارد، مستنبط است: همان‌طور که تصرف در اموال مجاز نیست، در حریم هم همین‌طور است.^۳

البته قاعده تسلیط استثنائاتی نیز دارد، مثل آن که: گاهی که مصلحت بالاتری وجود داشته باشد، جواز عمل برخلاف این قاعده وجود خواهد داشت (فروغی، برجی و مصلحی، ۱۳۹۳: ۲۶).

۴-۲-۲. قاعده صحت و اصل اباحه

اصل صحت که فقیهان آن را «اصاله الصحه» گفته‌اند، از قاعده‌های حائز اهمیت فقهی است و به صورت‌های مختلفی کاربرد پیدا می‌کند (احمدلو، ۱۳۹۲: ۱۵۹). آنچه که سبب قوت استناد به قاعده مذکور را فراهم می‌آورد، بنای عقلای جمیع ادیان و ملل است که شارع نیز با امضای خود به آن اعتبار بخشیده است و اسقاط این اصل از اعتبار سبب اختلال نظام جامعه در استنباط خواهد شد (انصاری، ۱۳۷۴: ۴۱۶).

در توضیح اصل صحت بایستی گفت که ذیل جواز تکلیفی، اصولاً اعمال افراد صحیح، مشروع و حلال می‌باشد و تا علتی برای صحیح نبودن آن اعمال پدید نیامده باشد، کسی نباید در حالت دوران امر بین احتمال صحت و مشروع بودن از سویی و عدم صحت و عدم مشروع بودن از سوی دیگر، اعمال اشخاص را غیر مشروع و ناصحیح بداند (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۹۵). اصل مذکور بر مصلحت مسلمانان بنا شده است؛ به این دلیل که اگر اصل را در حیات آدمی بر فساد بگذاریم و در همه افعال و اعمال اشخاص تفحص نماییم، انسجام نظام مدنیت از هم گسیخته خواهد شد.

نکته قابل ذکر این است که در حقوق اسلام اصل صحت به مفهوم جواز تکلیفی به اصل اباحه نزدیک می‌گردد. معنای اصل اباحه آن است که انسان نسبت به اشیاء موجود در خارج هرگونه دخل و تصرفی را می‌تواند داشته باشد؛ مگر در مواردی که دلیلی بر منع وارد گردد. از طرفی این اصل با مباح اعلام کردن افعال مردم در زمانی که منعی بر عدم آن نباشد، همانند اصل صحت مانع از شک و تردید و کنکاش در رفتار انسان‌ها و در نتیجه نقض حریم خصوصی آنان توسط مقامات تعقیب می‌گردد و از طرف دیگر با توجه به این که تصرف در حریم خصوصی اشخاص توسط آیات قرآن و روایاتی متعدد ممنوع اعلام گشته است، تصرف در این حریم انسانی، بر طبق اصل اباحه نیز ممنوع خواهد بود (فروغی، برجی و مصلحی، ۱۳۹۳: ۲۷).

۴-۲-۳. اصل احترام به حریم مؤمن

در دیدگاه اسلامی، حرمت مؤمن در نزد خداوند هم‌سنگ حرمت پیامبر، خاندان پیامبر، قرآن و کعبه اهمیت دارد^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ه.ق: ۱۰۸). در فقه اسلامی قاعده‌ای تحت عنوان «حرمة دم المسلم و ماله و عرضه» وجود دارد (موسوی خلیلی، ۱۴۲۷ق: ۴۶۵)، که بیانگر اصل احترام به جان، مال و آبروی افراد است. مال و دارایی مسلمان هم‌چون جان و خون وی محترم است^۵ (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۹). آبروی افراد دارای حرمت و مصونیت

فوق‌العاده‌ای است و انسان نمی‌تواند به‌وسیله غیبت، تهمت، افشاگری و هرگونه رفتار دیگری، به آبرو و حیثیت دیگری آسیبی وارد نماید، چنان‌که طبق فرمایش امام صادق (علیه‌السلام) در ذیل روایتی درباره درجات ایمان «هر کس حیثیت مؤمنی را بشکند، بر او واجب است که آن را جبران نماید»^۶ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۲). به‌گفته امام رضا (علیه‌السلام) مؤمن از کعبه عزیزتر و محترم‌تر و حتی حرمتش از آن بالاتر است^۷ (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۴۳). اهمیت احترام به مسلمان در خطبه ۱۶۷ نهج‌البلاغه از حرمت کعبه هم فراتر رفته و آن را بر هر حرمتی برتری بخشیده است^۸ (سیدرضی، ۱۳۷۹: ۲۴۲). از سویی نیز آبرو و حیثیت اشخاص در اسلام از مصونیت و حرمت ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند حق‌الناس محسوب شده و ذیل آن قرار گیرد. این حق‌الناس حرمت حریم افراد را از اختصاص به مؤمنین خارج کرده و آن را مختص به جمیع اشخاص و افراد می‌کند. این‌گونه است که آبروی عموم مردم در اسلام حرمت پیدا کرده و مانعی را برای تعدی و تجاوز به آبرو و حیثیت عموم مردم ایجاد کرده‌است.

بنابراین اصل و با تعمیم آن، احترام به حریم اشخاص اولین زیربنای حریم خصوصی در اسلام به حساب می‌آید و با توجه به وسعت معنایی و مصادیق این اصل، اصل حرمت مؤمن هم شامل حراست از حریم خصوصی فرد در زندگی حقیقی می‌گردد و هم زندگی و اطلاعات مجازی فرد را در بر می‌گیرد (سیدسعادت، ۱۳۹۲: ۱۶۳). لذا هرگونه اتّفاقی که موجب آسیب‌رساندن به آبروی افراد گردد مذموم و ممنوع است؛ چه این آسیب در محیط واقعی رخ داده و چه در فضای مجازی انجام گیرد.

۴-۲-۴. اصل پاسداشت کرامت انسانی

با توجه به ظرافتی که در آفرینش انسان به‌کار رفته، هیچ مخلوقی با وی برابری نمی‌کند. خداوند متعال در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم [کرامت دادیم]... و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری‌شان دادیم، آن‌هم چه برتری؟!». در تفسیر این آیه گفته‌اند که حال نوع بشر را بیان نموده و آن را صرف‌نظر از برخی کرامت‌های خاص شمرده‌اند. آیه مذکور شامل فاسقین و مشرکین نیز می‌شود؛ زیرا که اگر آن‌ها مشمول آیه نبودند و مراد افراد مطیع بودند، عتاب و امتنان معنا پیدا نمی‌کرد (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۵۵). آیه ۴ سوره تین بیان می‌دارد: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»؛ «حقیقتاً ما انسان را در بهترین بنیان آفریدیم». هم‌چنین در آیه ۲۰ سوره لقمان بر این مسئله تأکید شده: «الم تر و ان الله سخر لكم ما فی السموات و ما فی الارض

و اسبغ علیکم نعمه ظاهر و باطنه؛ یعنی که آنچه در آسمان و زمین است، برای انسان مسخر گشته و یا این که برای او خلق شده است.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به کرامت انسانی و حقوق بشر بسیار حریص بوده (حسینی شیرازی، ۱۴۱۹ه: ۱۹۱) و همواره آن را مدنظر داشته است. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نیز در خطبه یک نهج البلاغه کرامت ذاتی انسان را مورد اشاره قرار می دهد: «... پس خداوند از فرشتگان خواست تا... و در برابر کرامت انسانی، به نشانه خضوع و خشوع، سجده آورند...» (سیدرضی، ۱۳۷۹: ۲۴۲)^۹.

کرامت انسانی به عنوان بنیادی ترین عنصر برای ظهور و بروز رفتارهای فردی و اجتماعی یک فرد تلقی می شود، بدین معنا که انسان علاوه بر کسب کرامت اکتسابی، کرامت ذاتی خود را نباید به واسطه اعمال ناشایست خدشه دار کند و هم چنین نباید اجازه دهد که دیگران این کرامت را مورد تعرض قرار دهند.

مقتضای کرامت انسان آن است که حوزه های حریم شخصی وی محترم شمرده شود و خدشه وارد شدن به هریک از حوزه های حریم خصوصی فرد ارتباطی، مکانی، اطلاعاتی و جسمانی منافی اصل کرامت انسانی وی خواهد بود. بر همین مبناست که اسلام مقررات سخت گیرانه ای را برای تجاوز و تعرض به قلمروی حریم خصوصی اشخاص وضع نموده و آن را به عنوان یک راهبرد اساسی در حقوق کیفری خود منظور داشته است.

بند ششم از فرمان هشت ماده ای امام خمینی به عنوان یک حکم حکومتی بیان می دارد: «هیچ کس حق ندارد... نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این ها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هریک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می باشد.» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

از آن جا که دو مفهوم حریم خصوصی و کرامت انسانی با هم در آمیختگی دارند، در نظام حقوقی اسلام اشخاص نمی توانند با رضایت خود از دیگران سلب مسئولیت کرده و بدین وسیله محدودیت های حریم خصوصی اشخاص را رفع نمایند؛ گرچه این امر گاهی سبب محدود شدن حیطه حریم خصوصی افراد می شود. لذا از همین منظر است که اقرار به معاصی فردی در برابر سایرین به گونه ای اشاعه فحشا شمرده شده و حرام می باشد. در

نظام حقوقی اسلام حمایت از حریم خصوصی و حرام بودن تجاوز به آن در قالب یک حکم آمده است، نه حق و چنانچه می‌دانیم حکم را بر خلاف حق نمی‌توان اسقاط نمود. در نظام اصطلاحات حقوقی، کرامت انسانی و ذیل آن حق بر حریم خصوصی از قواعد عمومی و آمره بوده و امکان توافق برخلاف آن مثل قواعد تکمیلی و شخصی وجود ندارد و هم چنین نمی‌توان نسبت به نقض آن رضایت داد. (سیدسعادت ۱۳۹۲: ۱۶۶).

۴-۲-۵. اصل عمومیت اذن

این اصل برگرفته از آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره مبارکه نور است. در صورتی که فرد در هر موقعیتی که برای دیگران سرنوشت‌ساز است، قصد ورود داشته باشد، به تعبیر قرآن کریم بهتر است که اذن دخول بگیرد. خداوند در این سوره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوه حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛ «ای کسانی که ایمان آوردید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست وارد مشوید تا اجازه بگیرید... و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه‌تر است...».

علاوه بر منزل، خلوتگاه شخصی نیز در آیات قرآن به‌عنوان حریم خصوصی تلقی گردیده و برای ورود به آن کسب اجازه لازم دانسته شده است. براساس آیه ۵۹ سوره نور که می‌فرماید: «...وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْ تَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ...»؛ «...هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند...».

به علاوه حکمی که پیامبر اسلام (ص) در داستان سمره‌بن جندب ایراد فرمودند از بارزترین نمونه‌ها در تاریخ اسلام است که دلالت آن بر عدم مشروعیت ورود بدون اذن به خانه‌های سایرین و ممنوعیت آن می‌باشد. سمره‌بن جندب نخلی در منزل فردی از انصار داشت که جهت رسیدگی به آن بدون اجازه صاحب‌خانه وارد منزل وی می‌شد. آن فرد انصاری پس از اعتراض‌هایی که بر عمل سمره اثربخش نبود، نزد پیامبر اسلام شکایت کرد. پیامبر(ص) بارها و با روش‌های مختلف از سمره درخواست کرد که بدون اجازه وارد خانه انصاری نشود، اما او نپذیرفت. نهایتاً پیامبر اکرم(ص) جهت مانع شدن برای ورود بدون اذن به خانه انصاری چنین فرمودند که: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». لذا به فرد انصاری فرمودند: «برو و درخت را از جا درآور و در برابر او (سمره) بیفکن» (حر

عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۷: ۳۱۹).

باید توجه داشت اذن دخول تنها مربوط به حریم خصوصی در خانه نیست و در هر صورتی که فرد شرایط و موقعیتی را برای خود به وجود آورده باشد و دور نگه داشتن آن شرایط و موقعیت از دید عمومی و فضای غیرشخصی برای آن فرد اهمیت داشته باشد، حریم خصوصی محسوب شده و گرفتن اذن لازم است. اذن دخول با ایزاری فراهم می‌شود. در حقیقت اجازه گرفتن از دیگران می‌باید با ایزاری در ارتباط باشد که برای فردی که حریم خصوصی را برای خود لحاظ کرده است مناسب داشته باشد. در نهایت این‌که رابطه بین حریم خصوصی و گرفتن اذن رابطه‌ای لازم و ملزوم است و در صورتی که فرد بدون اجازه دیگران به زندگی خصوصی و حریم‌های آن‌ها تجاوز کند ناهنجاری شمرده شده و مستحق نکوهش و مجازات خواهد بود.

در پایان این مبحث ذکر این نکته لازم است که حرمت حریم خصوصی بر اساس اصول سه‌گانه فوق در فضای سایبر هم‌چون فضای واقعی ضروری است. با توجه به ارتباط وثیق میان این دو محیط، هتک آبرو در هر یک از محیط‌های حقیقی یا سایبر بر حیثیت فرد در محیط دیگر هم تأثیر می‌گذارد؛ به نحوی که اگر در محیط سایبر شایعه‌ای علیه فردی ایجاد شود، زندگی حقیقی وی را تحت الشعاع قرار می‌دهد (سیدسعادت، ۱۳۹۲: ۱۶۸). شخصیت افراد و کرامت انسان‌ها در فضای مجازی نیز اهمیت داشته و نقض و آسیب‌رساندن به آن‌ها ممنوع است.

۵. مؤلفه‌های محول حمایت از حریم خصوصی در فضای واقعی

از اصطلاحاتی که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به کار رفته‌اند، رایج‌ترین آن‌ها به شرح زیر قابل بیان می‌باشند:

۱. ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش

۲. ممنوعیت استراق سمع و بصر

۳. ممنوعیت اشاعه فحشا

۴. ممنوعیت سوءظن:

سوءظن در قرآن و سنت به عنوان منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران معرفی شده و لذا پرهیز از آن به طور مؤکد مورد توصیه واقع شده است. در این ارتباط می‌توان به فقره اول آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات اشاره کرد که مؤمنان را به اجتناب از ظن فرا می‌خواند.

۵. ممنوعیت سب و هجو و قذف:

شیخ انصاری می‌گوید با توجه به ادله‌ی اربعه سبّ مؤمنین حرام است (انصاری، ۱۳۷۴: ۹۴). در روایتی از حضرت صادق (ع) نقل شده است: «سباب المؤمن کالمشرف علی الهلکه» (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۲۹۸)، سبّ مؤمن انسان را در آستانه‌ی تباهی و هلاکت قرار می‌دهد.

۶. ممنوعیت نیمه و غیبت:

غیبت و نیمه، به‌نوعی نقض حریم خصوصی اطلاعات افراد می‌باشد. شهید ثانی حقیقت نیمه را افشای سری تعریف کرده‌است که دارنده‌ی آن، آشکار ساختن آن را برای سایرین مجاز نمی‌داند (شهید ثانی، ۱۳۷۴: ۲۰۶). غیبت هم شدیدترین نوع نیمه محسوب می‌شود (شهید ثانی، ۱۳۷۴: ۳۰۴).

۷. ممنوعیت خیانت در امانت:

خداوند در آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء مردم را به رعایت امانت‌داری فرمان داده‌است: «انّ الله یامرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها»؛ خداوند در آیه ۳۷ سوره انفال نیز مؤمنین را از ارتکاب خیانت در امانت نهی فرموده است. رعایت امانت هم‌چنین در روایات متعددی مورد تأکید و سفارش معصومین (ع) قرار گرفته است (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۳).

۶. مؤلفه‌های فقهی قابل تعمیم به فضای مجازی

از میان مؤلفه‌های هفت‌گانه‌ای که جهت حمایت از حریم خصوصی در متون فقهی اشاره شده است، گرچه همگی به نحوی می‌توانند در ارتباط با حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی قرار بگیرند اما به سه مؤلفه جهت استفاده در فضای سایبر (مجازی) می‌توانیم بیشتر استناد کرده و آن‌ها را بیشتر تعمیم دهیم که این مؤلفه‌ها شامل؛ «ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش»؛ «ممنوعیت اشاعه فحشاء» و «ممنوعیت استراق سمع و بصر» می‌باشد. لذا در ادامه مقاله، به تناسب موضوع به تشریح و تفصیل سه مؤلفه مذکور می‌پردازیم:

۱-۶. ممنوعیت تفتیش، تحسس و تجسس

از دو لفظ تجسس و تحسس تعریف‌های مختلفی انجام شده است. عرف تجسس را احوال‌پرسی معنا می‌کند و اعم از پرسیدن از کارهای خیر یا شر افراد می‌باشد. اما اگر پرسیدن احوال در خصوص امور مخفی افراد یا از کارهای شر آنان و یا از امور آشکار یا خیر آنان ولی برای اهداف سوء صورت بگیرد مصداق تجسس ظهور پیدا می‌کند. در هر

حال در فارسی تجسس را «خبر جستن» معنا کرده‌اند و اهل لغت درخصوص ماهیت آن چنین گفته‌اند که: به جست‌وجو در امور مخفیانه و غیرظاهر افراد جهت کشف معایب و تاریکی‌های زندگی آن‌ها تجسس می‌گویند. نویسنده مجمع‌البحرین آن را تفحص از بطن اعمال و جست‌وجوی خبر دانسته که غالباً درخصوص شر انجام می‌شود (دهخدا، ۱۳۶۱، ذیل واژه). تجسس و تلاش افراد برای پیدا کردن عیب‌های دیگران سبب دخالت در کارهای آنان را پدید آورده و می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی افراد گردد.

آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید که: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن إثمٌ و لا تجسسوا»؛ در این آیه، خداوند انسان‌ها را از کنجکاوی و کشف اسرار و عیوب مؤمنان نهی فرموده و چون در آیه متعلق عبارت «و لا تجسسوا» ذکر نشده است، ظاهراً امکان استنباط اطلاق از آن وجود دارد و به طور مطلق می‌توان تجسس در امور دیگران را حرام دانست، مگر با علت ویژه‌ای استثنا بوده و یا به‌طور خاص از موضوع تجسس بیرون باشد.

تفتیش و تجسس در امور شخصی و مخفیانه مؤمن، در احادیث شیعه و اهل سنت نیز مورد مذمت قرار گرفته‌است. در کتاب‌های صحیح بخاری و مسلم از ابوهریره نقل شده که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «در کارهای آشکار و پنهان مردم کنجکاوی و تجسس نکنید و درباره‌های دیگر افشاگری نکنید...»^{۱۱} (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۵۴۱-۵۴۰)؛ هم‌چنین ذکر شده: «از تفحص درباره اسرار پنهانی مؤمنان بپرهیزید، زیرا هر فردی که در عیوب دیگران تفحص کند، خداوند در عیوب وی تفحص خواهد نمود و هر فردی که خداوند در عیب‌های او تفحص نماید، رسوا و بی‌آبرو خواهد شد، گرچه لغزش او در گوشه خانه‌اش بوده باشد.»^{۱۲} (برقی، ۱۳۷۱: ۱۰۴). امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «لا تفتش عن أديانهم فتبقي بلا صديق» (ری شهری، ۱۳۷۵: ۳۹۲).

در کنار هم قرارداد اطلاعات و داده‌های شخصی بارگذاری شده در فضای مجازی و نیاز به واکاوی آن‌ها زمینه تجسس در امور شخصی افراد را فراهم می‌سازد که انجام این عمل موجب نقض حریم خصوصی است. موضوع حکم ممنوعیت تفتیش، تجسس و تجسس، ماهیت اطلاعات و داده‌های شخصی افراد می‌باشد که به‌موجب این ممنوعیت شارع در پی ایجاد حریمی برای حفظ آن‌ها بوده است تا از این طریق سایرین را از واکاوی و واری اطلاعات شخصی سایرین باز دارد. به عبارتی آنچه که مرکز توجه شارع برای حمایت قرار داشته و قصد دارد که آن را از دسترس سایرین خارج نگه دارد، اصل داده‌های افراد است که بایستی برای آن‌ها حیطه خصوصی قائل شد. حال با اذعان

به متعلق حکم مذکور و اظهار به آن امر که اهمیت این حکم در توجه به اصل اطلاعات شخصی می‌باشد، می‌توان دریافت که حکم ممنوعیت مذکور اختصاصی به فضای واقعی نداشته و نمی‌توان موضوعیت انحصاری برای آن قائل شد. لذا ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش را نمی‌توان تنها به حیطة فضای واقعی محدود کرد و کارکرد این ممنوعیت را شامل فضای مجازی ندانست. نهایتاً بایستی اظهار داشت که این ممنوعیت علاوه بر فضای واقعی، مسائل موجود در فضای مجازی را نیز در بر می‌گیرد.

۶-۲. ممنوعیت اشاعه فحشاء

در قرآن کریم اشاعه فحشاء به‌عنوان عملی معرفی شده است که عذاب دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت؛ در سوره نور آیه ۱۹ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الدُّنْيَا آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ «آن‌هایی که دوست دارند کارهای زشت و منکر در میان اهل ایمان اشاعه پیدا کند، برایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی وجود دارد و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید». لذا در فقه اسلامی افشای گناهان اشخاص به‌عنوان عملی حرام شناخته شده و حکم حرمت بر آن بار کرده‌اند. درباره آیه ۱۹ مذکور امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسانی که در خصوص مؤمنان، هرچه را که دیده‌اند و یا شنیده‌اند، نقل می‌کنند، همان کسانی هستند که خداوند درباره آن‌ها چنین فرموده است: إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ...»^{۱۳} (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۷).

ارتباط ممنوعیت فحشا با حرمت نقض حریم خصوصی هم از جهت خصوصی یا شخصی و هم از جهت عمومی مطرح است. اشاعه فحشا در حوزه شخصی موجب نقض حریم خصوصی افراد و انتشار عیوب آن‌ها می‌گردد. از سوی دیگر اشاعه فحشا به دلیل ارتباط با فضای عمومی جنبه عمومی هم پیدا می‌کند. البته این جنبه اهمیت بیشتری دارد زیرا ممکن است یک انسان از افشای پاره‌ای اسرار خویش، که معمولاً اشخاص آن را کتمان می‌کنند و تمایلی به افشای آن ندارند، ناراضی و بی‌رغبت نباشد و یا به علنی‌سازی آن رضایت دهد، لیکن افشای این اسرار در جامعه «اشاعه فحشا» قلمداد شود. بدیهی است که در این‌گونه موارد حتی رضایت صاحب حریم خصوصی نیز نمی‌تواند جواز هتک ستر و افشای اسرار تلقی شود، زیرا با اشاعه مواردی که با اخلاق عمومی جامعه تناقض دارد، تجاوز به حقوق عامه محقق می‌شود. از تفاوت‌های حقوق اسلامی با سایر نظام‌های حقوقی در زمینه نقض حریم خصوصی همین موضوع است. در سایر نظام‌های حقوقی رضایت افراد به نقض حریم خصوصی شان می‌تواند مجوزی برای این عمل باشد

که بر این اساس محدوده حریم خصوصی وی بسیار گسترده شده و یا مرتفع می‌شود و لذا مسئولیتی برای دیگران درخصوصی نقض آن وجود نخواهد داشت؛ در این حالت جنبه خصوصی و شخصی اشاعه فحشا است که اصالت خواهد یافت. اما در نظام حقوقی اسلام، نمی‌توان توافقی انجام داد و بر اساس آن جواز افشا همه امور محرمانه و شخصی را صادر نمود. فلذا اصل بر عمومیت است. لذا دین مبین اسلام علاوه بر این که حکومت و کارگزاران و عوامل آن و نیز اشخاص دیگر را از تجسس و ورود به حریم خصوصی انسان‌ها و افشای اسرار، از جمله فساد اخلاقی آنان، منع می‌کند، صاحب حریم را نیز مجاز نمی‌داند تا شخصاً به افشا و اشاعه آن دسته از اسرار خویش، که به دلیل ضرورت مکتوم ماندن آن‌ها در اصطلاح به «عورت» تعبیر گردیده است، اقدام کند یا اجازه بر ملا ساختن آن را به دیگری بدهد بدیهی است که هرگونه هتک حریم خصوصی شخصی در فضای مجازی که موجب اشاعه فحشا گردد جایز نیست. بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند تصاویر مستهجن خود را در فضای سایبر بارگذاری نماید و یا به اعمال زشت خود در فضای سایبر اقرار نماید. ممنوعیت اشاعه فحشا از این جهت بسیار دارای اهمیت است که مابقی موارد نقض حریم خصوصی را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد.

البته اگر هر یک از مصادیق نقض حریم خصوصی مانند تهمت یا غیبت در نتیجه خروج از حیطه شخصی به اشاعه فحشا منجر شود مسأله جنبه حکمی و آمرانه می‌یابد و رضایت شخص هم اثری در رفع حکم مذکور نخواهد داشت. به بیانی اشاعه فحشا قادر است به هرکدام از موارد نقض حریم خصوصی که جنبه اخلاقی صرف دارند، اثر حقوقی بخشیده و برخورد او با ناقض، ضمانت اجرای مناسب داشته باشد (سیدسعادت، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۷۱).

۳-۶. ممنوعیت استراق سمع و بصر

استراق سمع و بصر یکی از موارد تجسس است که به دلیل اهمیت آن‌ها به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند. به‌طور کلی استراق سمع و بصر را می‌توان این‌گونه دانست که فردی مخفیانه دیگری را زیر نظر داشته باشد و صحبت‌ها و مطالب وی را بدون رضایت او گوش دهد و یا مخفیانه به تماشای او بپردازد. مفهوم «استراق سمع» گوش دادن به سخن دیگری به صورت پنهانی است که از دیدگاه شریعت اسلام ممنوع و حرام است و شخصی که مبادرت به کنترل مخفیانه مکالمات اشخاص نماید مرتکب تجسس در حریم خصوصی دیگران گردیده است. در تعبیر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از استراق سمع آمده است: «برای هر عضوی از اعضای بدن آدمی سهمی از زناست...» و

زنای گوش انسان شنیدن سخن مخفیانه است...»^{۱۴} (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۶۹). هم چنین پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند هر فردی که به صحبت‌های دیگران گوش کند، در حالی که آن‌ها راضی به این امر نباشند، روز قیامت در گوشش سرب خواهند ریخت: «من استمع إلی حدیث قوم و هم یفرون منه، حُبّ فی أذینه الآنک» (ابوبصیر، ۲۰۰۱: ۳).

همچنین «استراق بصر» نیز به مفهوم نگاه غیرمجاز و پنهانی به هر چیزی است که در قلمروی حریم خصوصی اشخاص قرار می‌گیرد، در حالی که صاحب حریم رضایت و تمایلی به نظاره دیگری ندارد. به همین دلیل آن را به صورت علنی و آشکار در معرض نگاه دیگران قرار نداده است. در فقه اسلامی انسان‌ها توصیه شده‌اند که با نگاه کردن زمینه نقض حریم خصوصی افراد را فراهم نسازند. قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره فاطر می‌فرماید: «یعلم خائئاً الأعین و ما تُخفی الصدور»؛ در این آیه خیانت چشم را که یکی از اشکال و مصادیق بارز آن نگاه بدون اجازه به حریم خصوصی اشخاص است مورد نکوهش قرار داده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خصوص نگاه کردن بی‌اجازه به مکاتبات اشخاص فرموده است: هر کس به نامه برادر دینی خود نگاه کند، مانند این است که به عورت خویش نظر افکنده است (قمی، ۱۳۶۳: ۳۸۹). هم چنین می‌توان به این روایت نبوی اشاره کرد: «من رأی عورۃ فسترها کمن أحمیا مؤؤرۃ» (السجستانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۵۴).

فقها نگاه به نامحرم را حرام دانسته و نگاه مخفیانه در خانه مردم را نیز غیرمشروع دانسته‌اند و گفته‌اند که این حق برای صاحب‌خانه وجود دارد که چیزی به سمت او پرتاب کرده و مسئولیت و ضمانتی هم برای او وجود ندارد؛ حتی اگر فردی به داخل خانه‌هایی که با فاصله زیاد از وی قرار دارند، به وسیله ابزار (مثل دوربین قوی) نگاه بیندازد، گویی که از نزدیک نگاه انداخته است (موسوی‌الخمنی، ۱۳۸۶: ۴۹۱-۴۹۲). مطابق احکام شرعی اسلام اگر شخصی موجب از بین رفتن بینایی دو چشم دیگری گردد، به اندازه دیه انسان کامل برعهده او قرار دارد و اندازه دیه یک چشم فرد نیز برابر با نصف دیه یک انسان کامل می‌باشد. اما اگر فردی به درون خانه و اسرار و عورت مردم و یا به نوامیس آنان نگاه دزدانه کرده و بدین گونه سبب نقض حریم خصوصی افراد شود و در آن حال به او صدمه‌ای زده شود و چشمان آن فرد ضربه ببیند، مستلزم دیه نخواهد بود. حکم مذکور بیان‌گر بی‌ارزشی چشمان خائن و در نتیجه اهمیت حریم خصوصی و ممنوعیت نقض آن در فقه اسلامی می‌باشد. بعضی از فقیهان در پاسخ به استفتای این موضوع که «آیا استفاده از وسایل استراق سمع برای تجسس و شنیدن مکالمه مردم، مانند ضبط کردن مکالمه افرادی که کراهت از افشای آن دارند یا کنترل تلفن اشخاص چه

حکمی دارد؟» با تأکید بر عدم جواز استراق سمع، بیان داشته‌اند: «در غیرحال ضرورت منحصره نسبت به دفع مفسده مهم، جایز نیست.» (بهبخت فومنی، ۱۴۲۸ه: ۲۲۲). اسلام با وضع حکم حرمت استراق سمع و بصر راه‌های نقض حریم خصوصی را مسدود نموده است که این امر با توجه به احکام فقهی قابل تسری به امور مربوط به فضای مجازی نیز می‌باشد و از جهاتی می‌توان گفت دایره شمول این احکام در فضای مذکور به مراتب بیشتر از پیش نیز خواهد بود.



نتیجه‌گیری

در این نوشتار با تمسک به استدلال‌های اصولی فقه به استخراج مؤلفه‌های فقهی حمایت از حریم خصوصی پرداختیم و این رهگذر روشن شد که:

۱. پنج اصل اساسی اسلام برای حمایت کلی از حریم خصوصی در آموزه‌های اخلاقی و احکام فقهی شامل: «قاعده تسلیط»، «قاعده صحت و اصل اباحه»، «اصل احترام به حریم و حرمت مؤمن»، «اصل توجه به کرامت انسانی» و «لزوم عمومیت اذن در روابط اجتماعی» می‌باشد. مؤلفه‌های هفت‌گانه که منبعث از اصول فقهی مذکور بوده و از حریم خصوصی در فضای واقعی حمایت می‌کند عبارت‌اند از: «ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش»، «ممنوعیت سوءظن»، «ممنوعیت سب و هجو و قذف»، «ممنوعیت نیمه و غیبت»، «ممنوعیت خیانت در امانت»، «ممنوعیت استراق سمع و بصر» و «ممنوعیت اشاعه فحشا».

۲. برای استنباط مؤلفه‌های فقهی حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی بایستی از میان مؤلفه‌های مذکور که به حمایت از حق مذکور در فضای واقعی پرداخته بود، آن‌هایی را که با توجه به تفاوت‌های فضای مجازی با فضای واقعی قابل ترویج می‌باشند مشخصاً تبیین نمود. تفاوت‌های دو فضای واقعی و مجازی ممکن است ما را در استفاده از مؤلفه‌های کلی برای حمایت از این حق در فضای مجازی با تردید مواجه سازد. تحلیل و ترویج مؤلفه‌های قابل استفاده برای حمایت از این حق در فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان پاسخی به تردید مذکور عمل کرده و راهگشا باشد. در این راستا سه مؤلفه برای حمایت از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی قابل تعمیم بود که شامل: «ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش»؛ «ممنوعیت اشاعه فحشا»؛ و «ممنوعیت استراق سمع و بصر» می‌باشد و در پی ترویج و تبیین آن‌ها برآمده‌ایم.

۳. همان‌طور که اصول و مؤلفه‌های حمایت از حریم خصوصی در فضای واقعی را می‌توان مشخصاً استنباط نموده و در پژوهش‌های پیشین نیز ذکر شده‌اند، زمینه‌های حمایت از حق بر حریم خصوصی در فضای مجازی نیز در منابع اسلامی وجود دارد و می‌توان از آن‌ها به‌عنوان یکی از منابع حقوق در جهت تدوین مقررات و رویه‌های قضایی بهره‌جست؛ با ترویج این اصول و مؤلفه‌ها روشن گردید که از لحاظ مبانی تفاوتی میان حق حریم خصوصی در فضای مجازی و حقیقی وجود ندارد.

1. Reductionist Approach

2. Jozsef

۳. مهریزی، مهدی، به نقل از جلال الدین سیوطی، الاشباه و النظائر، ج ۱: ۲۸۷ - ۲۸۶.
۴. «اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي بِلَادِهِ حَرَمٌ حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ حَرَمَةٌ آلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ حَرَمَةٌ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ حَرَمَةٌ كَعْبَةِ اللَّهِ وَ حَرَمَةُ الْمُؤْمِنِ.»
۵. «حرمة مال المسلم كحرمة دمه»
۶. «فَإِنْ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جَبْرُهُ»
۷. «أَنَّهُ وَقَفَ حِيَالِ الْكَعْبَةِ ثُمَّ قَالَ مَا أَعْظَمَ حَقِّكَ يَا كَعْبَةُ وَ وَاللَّهِ إِنْ حَقَّ الْمُؤْمِنُ لِأَعْظَمَ مِنْ حَقِّكَ»
۸. «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ، وَ أَحَلَّ حَلَالًا غَيْرَ مَدْخُولٍ وَ فَضَّلَ حَرَمَهُ الْمُسْلِمِ مِنَ الْحُرْمِ كُلِّهَا»
۹. «وَ اسْتَأْذَى اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْمَلَائِكَةُ وَ دِيْعَتُهُ لَدِيْهِمْ وَ عَهْدَ وَصِيَّتِهِ لِيْهِمْ. فِي الْاِذْعَانِ بِالسُّجُودِ لَهُ وَ الْخُشُوعِ لِتَكْرِمَتِهِ»
۱۰. در برخی کتاب‌های حدیث به جای «فی الاسلام»، «علی المؤمن» ذکر شده است.
۱۱. «ثَبِتَ فِي الصَّحِيحِيْنَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: يَا كُمْ وَ الظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ. وَ لَا تَحَسَّنُوا وَ لَا تَجَسَّسُوا...»
۱۲. «...لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَّهٗ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ»
۱۳. «مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.»
۱۴. «لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّانِي فَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظْرُ وَ اللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَ الْأُذُنَانُ زِنَاهُمَا السَّمْعُ وَ الْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ وَ الرَّجُلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ وَ الْفَرْجُ يُصَدَّقُ ذَلِكَ كُلُّهُ وَ يُكَذَّبُ.»

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ابو الفضل بهرام پور.
- ابوبصیر، عبدالمنعم مصطفی حلیمه (۲۰۰۱ م.)، *حکم الجاسوس*، قابل دسترس در: www.Abuaseer.com.
- احمدلو، مونا (۱۳۹۲)، *حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران*، تهران: انتشارات مجد.
- انصاری، باقر (۱۳۸۳)، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۶۶.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۴)، *فرائد الاصول (الرسائل)*، قم: انتشارات مصطفوی.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۴)، *کتاب المکاسب*، الجزء الثاني، قم: انتشارات دهقانی.
- برقی، ابوجعفر (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- بهجت فومنی، محمدتقی (۱۴۲۸ هـ)، *استفتائات*، قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
- جبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی) (۱۳۷۴)، *وسائل*، قم: مکتبه بصیرتی.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ هـ)، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حر عاملی (۱۳۷۲)، *الوسائل الشیعه*، تهران: مکتب الاسلامیه.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد (۱۴۱۹ هـ)، *الفقه القانون*، بیروت: مرکز الرسول الأعظم (ص) للتحقیق و النشر، چاپ دوم.

- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین (۱۳۷۹)، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات علامه، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۱)، **لغت نامه**، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- الری شهری، محمد (۱۳۷۵)، **میزان الحکمه**، قم: دارالحدیث.
- ساریخانی، عادل و موسوی، محمد (۱۳۹۰)، «قلمرو پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام»، **فصلنامه نظم و امنیت انتظامی**، شماره ۴.
- السجستانی، آبی داوود سلیمان بن اشعث (۱۹۹۰ م.)، **سنن آبی داوود**، قم: دارالفکر.
- سیدسعادت، فهیمه (۱۳۹۲)، «صبانت از حریم خصوصی در فضای مجازی بر اساس هنجارهای اسلامی»، **راهبرد فرهنگ**، شماره ۲۳.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۱)، **واژه نامه ارتباطات**، تهران: انتشارات سروش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۱)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: اسماعیلیان.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ هـ.)، **المبسوط فی فقه الإمامیه**، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- فروغی، فضل الله و برجی، محمدناصر و مصلحی، جواد (۱۳۹۳)، «مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا»، **مجله مطالعات حقوقی**، دوره ۶، شماره ۳.
- قاسمزاده، فریدون و محسنی، فرید (۱۳۸۲)، «چالش های قانونی تجارت الکترونیکی در ایران»، **کنفرانس بین المللی مدیریت**، تهران.
- القرطبی، آبی عبدالله محمد بن احمد الأنصاری (۱۹۸۵ م.)، **تفسیر القرطبی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قمی، عباس (۱۳۶۳)، **سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار**، تهران: فراهانی.
- قنواتی، جلیل و جاور، حسین (۱۳۹۰)، «مبانی احترام در شناسایی و حمایت از حریم خصوصی در حوزه ارتباطات»، **نشریه حقوق اسلامی**، شماره ۲۹.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ هـ.)، **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه**، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانور، چاپ دوم.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸)، **قواعد فقه بخش مدنی**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- مزینانی، محمدصادق (۱۳۷۸)، «نگاهی به قاعده لاضرر از دیدگاه امام خمینی»، *مجله فقه*، شماره ۲۱ و ۲۲.

- المناوی، محمد عبدالرؤف (۱۹۹۴م)، *فیض التقدير فی شرح الجامع الصغیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- منتظری نجفآبادی، حسین علی (۱۴۰۹هـ)، *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه*، قم: نشر تفکر، چاپ دوم.

- وسوی خلخالی، سیدمحمد مهدی (۱۴۲۷هـ)، *فقه الشیعه*، کتاب الإجاره، تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر.

- (۱۳۸۶)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

- موسوی الخمینى، سیدروح الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- مهریزی، مهدی (۱۳۷۸)، «دولت دینی و حریم خصوصی»، *مجلس خبرگان*، شماره ۱۲.

- نوبهار، رحیم (۱۳۸۶)، *حقوق کیفری و حوزه عمومی*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸هـ)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- Banisar, D (2000), *Privacy and Human Rights, An International Survey of Privacy Laws and Developments*, Washington D. C, 1st ed, Electronic Privacy Information Center.

- Jozsef, Zsuzsanna (2010), *Principles of the American Real Property Law*, Karoli Gaspar University, Graduate Doctoral (Ph.D.) Program.